

"بخش دوم"  
ماتریالیسم تاریخی

کار و تولید  
موجب دگرگونی شگرف  
در جهان و انسان شد  
امیر نیک آیین

فصل دوم- طبیعت، جامعه، انسان

درس 50- نیروهای مولده

با وجود اهمیت شگرف و همه جانبه ای که عامل محیط جغرافیائی و عامل نفوس در امر تکامل جامعه در تند کردن یا کند کردن سیر تکاملی جامعه و تعیین شکل ظاهری تمدن ها دارند، نه شرایط محیط جغرافیائی می تواند عامل قاطع و تعیین کننده در تکامل اجتماع باشند نه عامل نفوس. این هر دو زمینه طبیعی رشد جامعه را تشکیل می دهند و هر دو نقشی بس مهم ولی نه قاطع در تکامل جامعه دارند. آنها نمی توانند علت و تعیین کننده راه و سمت این تحول باشند. پس منطقی به این پرسش می رسیم که عامل تعیین کننده کدام است؟ بالاخره آن حلقه اصلی زنجیر تکامل اجتماعی در کجاست؟ علت این روند تاریخی بغرنج و شگرف که پیشرفت جامعه نام دارد چیست؟

(1)

پاسخ علم فلسفی ماتریالیسم تاریخی به این پرسش این است که پایه تکامل جامعه، تولید مادی است: نقش اساسی و قاطع را در تکامل اجتماعی شیوه تولید ایفا می کند. در حقیقت مارکسیسم این واقعیت ساده و بدیهی را در نظر می گیرد که انسان ها بدون غذا و لباس و مسکن و سوخت و سایر نعمات مادی لازم برای ادامه زندگی، نمی توانند زیست کنند و برای بدست آوردن این نعمات باید کار کنند. کار عبارتست از فعالیت آگاهانه و ضرور و هدفمند انسان ها بخاطر تغییر اشیاء طبیعت و آماده ساختن وسایل مصرفی. انسان چنان موجودی نیست که بتواند با آنچه طبیعت، حاضر و آماده در اختیار می گذارد زندگی کند. کار، وسیله ارتباط و پیوند انسان با طبیعت و تنها راه تامین مصرف، تنها طریق ادامه بقاء است. کار، اساس و شالوده حیات اجتماعی و از ضروریات بدیهی زندگی انسان است.

بدون فعالیت تولیدی مادی، اصولاً زندگی انسان امکان پذیر و متصور نیست. این که چگونه و با چه وسایلی کار می کنیم و شیوه تولید نعمات مادی کدام است و چه مناسباتی بین انسان و طبیعت و بین خود انسان ها در این جریان ایجاد می گردد، علت اساسی و تعیین کننده تکامل جامعه در لحظه معین تاریخی است. این یکی از مهمترین قوانین علم ماتریالیسم تاریخی است.

برای روشن شدن این قانون ما باید با مفاهیمی که ضمن بررسی آن مورد نیاز است، عمیقاً و بنحو علمی آشنا شویم. نخستین این مفاهیم، مقوله بسیار مهم "شیوه تولید" است که گفتیم نقش اساسی را در تکامل جامعه ایفا می کند. و اما از آنجا که خود این مقوله مرکب از دو جزء و

دارای دو جنبه است، لازم است که با این دو جهت، که خود دو مقوله اساسی علم ماتریالیسم تاریخی است و "نیروهای مولده" و "مناسبات تولیدی" نام دارند آشنا گردیم. اینها ستون های اصلی درک مادی تاریخ و در برداشت مارکسیستی از تحول جامعه است و لذا باید با دقت کامل این مقولات را فرا گرفت تا بهتر به درک این قانون مهم ماتریالیستی تاریخی موفق شد که: تولید مادی، پایه تکامل اجتماع و علت تعیین کننده آن است. علم ماتریالیسم تاریخی مانند هر دانش دیگری بر یک رشته قوانین و مقولات متکی است، بدون درک دقیق و درست این مقولات و قوانین، درک ماتریالیسم تاریخ و برداشت علمی از جامعه و پویائی آن ممکن نیست. قانونی که نام بردیم و مقولات "شیوه تولید"، "نیروهای مولده" و "مناسبات تولیدی" از اینگونه اند.

## (2)

انسان اشیاء موجود در طبیعت را تغییر می دهد تا نیازهای زندگی خود را تامین کند و مواد مصرفی را فراهم آورد. مثلا برای ساختن یک ماشین باید سنگ معدن آهن را استخراج کرد، آن را با وسائل خاص ذوب نمود و به فولاد تبدیل کرد، سپس در کارخانجات با وسائل و بنابر شیوه معین روی آن کارکرد و با کمک علم و فن، بنحوی که مورد نیاز و نظر است اشیاء لازم را ساخت. بنابر این، جریان تولید مادی وابسته است به:

1 - موضوع کار

2 - وسایل کار

3 - علم و فن

4 - انسان ها و نیروی کار و تجربه و مهارت آنها.

- موضوع کار آن اشیائی هستند که کار انسانی متوجه آنهاست و روی آنها عمل می شود. از زمین و رستنی ها و معادن و کلیه اشیاء طبیعی وارد در حیطه تولید گرفته تا همه اشیاء و فرآورده هائی که خود ثمره کار قبلی بشر است و در مورد معین به موضوع تازه کار بدل می شود.

- وسایل کار آن ابزار و ماشین ها و آلات و هم چنین موسسات تولیدی، ساختمان ها و وسایط نقلیه، جاده ها و غیره است که در جریان کار مورد استفاده قرار می گیرد.

- علم و فن جمیع آن آشنائی های نظری و تعمیم هائی است که پراتیک بشری را روشن می کند و به کمک آنها نعم مادی و تولید می شود.

- و بالاخره این انسان ها هستند که کلیه این وسائل را بکار می گیرند و با کمک تجربه خود در تولید، مهارت در کار، همه نعمت های موجود زندگی را تهیه می کنند.

از میان وسائل کار، مهمترین آنها افزار تولیدی است. افزار تولیدی ابزار هائی هستند که به کمک آنها انسان روی موضوع کار عمل می کند و بوسیله آنها طبق نیاز و خواست خویش موضوع کار را تغییر می دهد. تولید بودن افزار تولیدی غیر ممکن است. تنها نیروی عضلانی انسان ها برای این تغییر کافی نیست. به کمک ابزار و آلات، بشر می تواند لوازم زندگی و فرآورده های مصرفی خود را تامین کند. واضح است که طی تاریخ این افزار از ساده ترین اشکال، به اشکال مرتبا کامل تر و غامض تری بدل شده تا جائی که - ناگفته پیدا است - افزار تولیدی کنونی بهیچ وجه قابل مقایسه با افزار تولیدی بشر اولیه نیست. هرچه این آلات تولیدی پیشرفته تر باشد و کار انسانی با تکنیک مدرن تر و دست آوردهای تازه تر علم مجهز گردد، جامعه مربوطه جلو افتاده تر است. اما واضح است که آلات تولیدی از چکش و سندان و خیش های ساده گرفته تا ماشین های گول پیکر و اتوماتیک به خودی خود نعمات

مادی را در دسترس انسان نمی گذارند. خود اینها توسط بشر باید ساخته شوند و توسط بشر بکار افتند.

در مورد علم نیز بعنوان یک عنصر دیگر از نیروهای مولده باید بگوئیم که دانش با ترقیات شگرف و کشفیات بزرگ انقلابی خود در همه زمینه ها، با تاثیر در شرایط اقلیمی و تسخیر کیهان و کشف منابع جدید انرژی و تسلط بر طبیعت، با تدوین شیوه های دقیق اداره امور اقتصادی و رهبری جمعی و فن مدیریت و غیره بیش از پیش به یک عامل مهم و قاطع در زمینه افزایش نیروهای مولده تبدیل می گردد.

و اما در مورد انسان ها یعنی عنصر چهارم یاد شده، از توضیحاتی که دادیم معلوم می شود که تنها انسان ها هستند که آلات تولیدی را بکار می اندازند، تولید را سازمان می دهند و برای خودکارترین ماشین های سیبرنتیک و کامپیوترها نیز برنامه عمل تهیه می کنند و علم و فن را در تمام شئون به پیش می برند. به همین جهت نیز انسان ها، با تجربه و مهارت خود، با نیروی کار خود، نه تنها عنصر متشکله ای از جریان تولید بشمار می آیند بلکه در تمام مراحل تکامل جامعه، تولید کنندگان، توده های زحمتکش، نیروی اساسی تولید بوده و هستند. آنها نقش قاطع را در تکامل تولید ایفا می کنند و در درجه اول عبارتند از کارگران صنعتی، دهقانان، تکنیسین ها، مهندسين و دانشمندان که با بسط تکنیک تولید سروکار دارند. ابزار کار پایه مادی- فنی جامعه است ولی از آنجا که ابزار بدون انسان مرده و بی تاثیر است لذا عنصر تعیین کننده در نیروهای مولده و نیروی اساسی تولید، خود انسان است.

تعریف مقوله "نیروهای مولده": نیروهای مولده عبارتند از مجموعه وسایل کار و در درجه اول ابزار کار و تولید، موضوع کار یعنی همه اشیائی که وارد روند تولید می شوند، علم که نقش روزافزونی مشابه عامل نیرومند تولید می یابد، و بالاخره انسان ها با نیروی کار و تجربه تولیدی و مهارت و آشنائی با کار.

نیروهای مولده بیانگر رابطه بین انسان از یک سو و اشیاء و قوای طبیعت از سوی دیگر است. حالت نیروهای مولده و درجه تکامل آنها نشان می دهد که انسان تا چه حد بر طبیعت پیروز شده و بر آن حکومت می کند. بازده کار و تسلط انسان بر طبیعت به همان اندازه بیشتر است که نیروهای مولده رشد یافته تر باشند. یعنی وسایل کار و ابزار تولید کامل تر و همه جانبه تر، تجربه و مهارت و سطح فرهنگی و علمی انسان ها بالاتر باشد. در جریان تولید، انسان ها وسایل و ابزار تولید را تکمیل می کنند، ماشین های جدید می سازند، از طبیعت بهتر و همه جانبه تر بهره می گیرند، بر نیروهای طبیعت مهار می زنند، آنها را بهتر می شناسند و در خدمت می گیرند، شناسائی های علمی و فنی خود را کامل تر و غنی تر نموده و به این ترتیب رشد مداوم نیروهای مولده را تامین می کنند.

نیروهای مولده از آنجا که دائما در حال تغییر و تعویض و تکاملند، متحرک ترین و انقلابی ترین عنصر شیوه تولید بشمار می روند و تحول و تغییر آن، به نحو ضرور و عینی، تغییر مناسبات تولیدی را ایجاد می کند. و اما از بین تمام عناصر خود نیروهای مولده که برشمرديم این وسایل کار و در درجه اول آلات و ابزار تولید است که سریع تر رشد و تکامل می یابد و چنین پایه مادی رشد اجتماعی بشری. در عین حال در جریان تولید و تغییر طبیعت و تکمیل وسائل کار و غنی شدن تجربه و شناسائی ها، تغییرات مهم و ماهوی در نیروی کار ایجاد می شود، درجه مهارت و تخصص و کیفیت کار بالا می رود.

در عصر حاضر، انقلاب علمی و فنی تاثیر نیرومند بر رشد نیروهای مولده و بر عامل انسانی آن بجای می گذارد.

آری خود انسان نیز، عادات و رفتار و آگاهی او بر این شالوده تغییر می کند. نه تنها سیمای اقتصادی جامعه از بیخ و بن عوض می شود بلکه همه مناسبات انسانی، سازمان ها و

نهادهای جامعه معنویات و اخلاقیات تغییر و تحول می یابد. انسان ها نه تنها طبیعت را دگرباره می سازند، بلکه جامعه را و خود را- انسانیت را- دگرباره و همواره می آفرینند.

دگرباره